

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۳

جلسه ۲۶ - سه‌شنبه ۹۲/۹/۵

#### ۴. دوران امر بین تعیین و تخییر در مقام حکم

فرض کنید مکلف علم دارد مولا حکمی با متعلق خاصی جعل کرده است، اما شک وجود دارد که آیا عدل و بدیلی برای این متعلق قرار داده شده است یا خیر؟

مثلاً در افطار عمدی ماه مبارک رمضان، وجوب کفّاره نسبت به عتق قطعاً جعل شده است، ولی شک وجود دارد که آیا بدیلی برای عتق مانند اطعام ستّین مسکین قرار داده شده است یا خیر؟ فرقی هم وجود ندارد که یک بدیل قرار داده شود یا چند بدیل.

در ابتدا به نظر می‌آید که تکلیفی قطعاً به عهده‌ی مکلف آمده است که با عتق رقبه از عهده‌ی آن خارج می‌شود و شک دارد که آیا با اطعام ستّین مسکین تکلیف امتثال می‌شود یا خیر، که به مقتضای اشتغال یقینی باید تحصیل برائت یقینی کند. عدّه‌ای از اعلام نیز به بیان‌های مختلف در چنین موردی به وجوب احتیاط قائل شده‌اند، از جمله محقق نائینی رحمته الله علیه.<sup>۱</sup>

۱. فوائد الاصول، ج ۳، ص ۴۲۸:

... فظهر أنّ المرجع عند الشك في التعيين و التخيير قاعدة الاشتغال، لرجوع الشك فيهما إلى الشك في سقوط ما علم تعلق التكليف به بفعل ما يحتمل كونه عدلاً له، من غير فرق بين أن يكون الشك فيهما على الوجه الثاني من الوجوه المتقدمة (و هو ما إذا لم يعلم تعلق الطلب بما يحتمل كونه عدلاً للواجب) أو على الوجه الثالث (و هو ما إذا علم بتعلق الطلب به أيضاً و كان الشك في مجرد كونه عدلاً للآخر) فإن الشك في كل من الوجهين يرجع إلى الشك في الامتثال و السقوط، غاية أنه في الوجه الثاني الشك إنما يكون في مسقطية خصوص مشكوك الوجوب عن مقطوعه، و في الوجه الثالث يكون الشك في مسقطية كل منهما عن الآخر.

تا اندازه‌ای تحقیق از جریان براءت یا عدم آن منوط به مبنایی می‌باشد که در حقیقت واجب تخییری اتخاذ می‌شود و در آن بحث، مبنایی متفاوتی ارائه شده است.

در دوره‌ی گذشته‌ی اصول، جریان براءت را بر اساس تک‌تک مبنایی مهم بررسی کردیم، ولی در این دوره تنها به اصل مطلب بنابر مبنای صحیح می‌پردازیم و اشکالات مهمه را پاسخ می‌دهیم إن شاء الله. تخییر محتمل در این قسم، یا تخییر عقلی است و یا تخییر شرعی. تخییر عقلی آن است که امر دائر بین تعلق تکلیف به حصه‌ی خاصه یا به جامع عرفی بین این حصه‌ی خاصه و سایر حصص شود.

مثلاً امر دائر باشد بین اینکه یا باید در کفاره خصوص رقبه‌ی مؤمنه را آزاد کرد یا جامع رقبه را (چه مؤمنه باشد چه نباشد) یا مثلاً مولا خصوص فرس را طلب کرده است یا جامع بین فرس و غیر فرس یعنی حیوان را طلب کرده است، در این مورد مرحوم نائینی آن را مصداق دوران امر بین تعیین و تخییر دانستند و مانعی از این نام‌گذاری نیست. و این تخییر را عقلی گفته‌اند زیرا عقل می‌گوید چون طبیعت در تمام افراد و حصص موجود است مکلف می‌تواند هر یک از این افراد را در مقام امتثال، اتیان کند.

بحث از دوران امر بین تعیین و تخییر عقلی قبلاً گذشت و پرشبهه‌ترین صورت آن دوران میان عام و خاص و نیز مانند اکرام و اطعام بود و اثبات کردیم انحلال رخ می‌دهد و مانعی از جریان براءت عقلی و شرعی در هر دو مورد نیست و اگر کسی در جریان براءت عقلی به واسطه‌ی عدم انحلال حقیقی تشکیک کند، انحلال حکمی با عدم جریان اصل مؤمن در جامع و جریان اصل مؤمن بدون معارض در حصه‌ی خاصه ثابت است.

و اما دوران امر بین تعیین و تخییر شرعی آن است که افراد مورد تخییر، از لحاظ ماهیت مابین باشند؛ چنانکه در خصال کفارات ثلاث، عتق رقبه ربطی به اطعام مسکین ندارد و هر دو ربطی به صوم ستین یوماً ندارند و مفهوم جامعی که همه در آن مشترک می‌باشند وجود ندارد، لهذا مانند صورت قبلی قابل انحلال نمی‌باشد.

اما ما در بحث وجوب تخییری بیان کردیم که در مبنایی ارائه شده، مبنایی که ثبوتاً و اثباتاً خالی از اشکال است آن است که در واجبات تخییری، وجوب به عنوان انتزاعی «احد الشئین» یا «احد الاشیاء» تعلق می‌گیرد. وقتی شارع می‌فرماید هرگاه متعمداً روزه‌ی ماه رمضان را افطار کردید باید عتق رقبه یا اطعام ستین مسکیناً یا صیام ستین یوماً انجام دهید، یعنی یکی از کفارات ثلاث را انجام دهید و «یجب علیک إحدى هذه الخصال الثلاث» و آنچه تحت وجوب رفته است عنوان «احد الامور» یا «إحدى هذه الخصال» است.

اکنون بنا بر مبنای فوق باید بررسی شود که آیا اگر شک شود عتق رقبه واجب تعیینی است یا تخییری، تعیینی بودن آن مجرای براءت است یا خیر؟ مرجع این شک آنست که آیا مولا فرموده است احد هذه الامور واجب است یا احدی را که عتق رقبه است واجب فرموده است؟

این حالت تفاوتی با مثال تردید بین وجوب عتق رقبه مطلقاً و عتق رقبه‌ی مؤمنه ندارد و همان‌گونه که عقل یقین به وجوب عتق رقبه دارد و شک در وجوب قید یعنی ایمان دارد و براءت جاری می‌کند، در واجب تخییری نیز عقل یقین می‌کند احد هذه الامور تحت وجوب رفته است و شک دارد که این احد، لازم است عتق رقبه باشد یا اگر حصه‌ی دیگری نیز باشد کفایت می‌کند، فعلاً می‌گوییم نسبت به وجوب تعیینی اقل، دست کم براءت بر اساس انحلال حکمی جاری است؛ به دلیل آنکه مکلف نسبت به وجوب احد هذه الامور نمی‌تواند اجرای براءت کند؛ زیرا قطعاً یکی از این امور سه‌گانه واجب است، به‌ناچار نسبت به خصوص عتق، اصل مؤمن بلا معارض جاری خواهد بود و نتیجه آن می‌شود که لازم نیست مکلف عتق رقبه کند، بلکه اگر عنوان «احد هذه الامور» را محقق کند ذمه‌اش بری می‌شود و بیش از این نیاز به زحمت ندارد.

**مقرر: سید حامد طاهری**

**ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی**